

# روءیت هلال با چشم مسلح

رضا مختاری

منبع: مجله فقه اهل بیت ۱۳۸۳ شماره ۳۹ و ۴۰

در احادیث بر موضوعاتی چون روءیت، نظر، استماع و مانند اینها احکام و آثاری مترتب شده است. این روایات از یک لحاظ به دو دسته تقسیم می‌شوند. ابتدا نمونه‌هایی اندک از این دو دسته روایات را نقل و سپس آنها را

بررسی می‌کنیم:

روایات دسته اول

الف) روءیت و نظر

۱- من نظر إلى الفقاع فليذكر الحسين(ع) و ليلعن يزيد و آل زياد.

۲- من اطلع في بيت جاره فنظر إلى عورة رجل أو شعر امرأة أو شيء من جسدها...۳

۳- من نظر إلى عورة أخيه المسلم... أدخله الله...۳

۴- حرّم النظر إلى شعور النساء... لما فيه من تهيج الرجال.

۵- أيها الناس إنما النظر من الشيطان.

۶- النظر سهم مسموم من سهام ابليس.

۷- فالنظر سبب إيقاع الفعل من الزنا و غيره...۷

۸- من قصد إلى مصلوب فنظر إليه وجب عليه الغسل عقوبة.

۹- إذا رأى أحدكم امرأة تعجبه فليأت أهله فإنّ عند أهله مثل ما رأى.

۱۰- فإذا نظر أحدكم إلى امرأة تعجبه فليلمس أهله.

ب) سمع و استماع

۱۱- من استمع إلى فضيلة من فضائله [أي أمير المؤمنين(ع)] غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع...۱۱

۱۲- من سمع رجلاً ينادي «يا للمسلمين» فلم يجبه فليس بمسلم.

۱۳- الاستماع منهنّ [أي المغنّيات] نفاق.

۱۴- و رأيت القرآن قد ثقل على الناس استماعه و خفّ على الناس استماع الباطل.

۱۵- استماع الغناء و اللهو ينبت النفاق في القلب...۱۵

۱۶- كثرة الاستماع إلى الغناء يورث الفقر.

۱۷- ثلاثة يقسين القلب: استماع اللهو...۱۷

۱۸- إستماع الأوتار من الكبائر.

۱۹- من استمع إلى اللهو يذاب في أذنه الانك.

احادیثی که ذکر شد نمونه‌های اندکی از روایات فراوانی است که در آنها روءیت، نظر، سمع و استماع، موضوع حکمی قرار گرفته و یا اثری بر آنها مترتب شده است. روءیت و سمع در همه این روایات به صورت مطلق آمده

و انواع و اقسام آنها را در بر می‌گیرد؛ چه روعیت و سمع عادی و بدون ابزار - که در زمان صدور رایج بوده است - چه روعیت با ابزارهایی مانند دوربین و تلسکوپ و یا سمع با ابزارهایی مانند: بلندگو، تلفن، بی سیم، ضبط صوت، رادیو و تلویزیون. بنابراین هیچ کس که با الفبای فقه آشنا باشد از این روایات چنین نمی‌فهمد که مثلاً شنیدن غنا به صورت مستقیم و بدون ابزار، حرام ولی از رادیو و یا تلویزیون حلال است؛ و یا همان فضیلتی که شنیدن فضائل حضرت امیرالمؤمنین(ع) بدون ابزار دارد، یا شنیدن از ابزار نیز دارای همان فضیلت است. همچنین موارد دیگری مانند استماع غنا، سماع استغاثه مسلمان، نظر به نامحرم و نظر به مصلوب که نقل شده. در این روایات نمی‌توان مدعی شد که روعیت و سمع به روعیت و سمع متعارف در زمان صدور حدیث انصراف دارد و یا فقط همان نوع به ذهن تبادر می‌کند ولی روایات دسته دوم - بر خلاف این روایات - مطلق نیستند که پس از نقل چند نمونه به توضیح آنها خواهیم پرداخت:

روایات دسته دوم

- إذا كنت في الموضوع الذي تسمع فيه الأذان فأتمّ و إذا كنت في الموضوع الذي لاتسمع فيه الأذان فقصر. ۲۰ - إذا سمع الأذان أتمّ المسافر. ۲۱

- الرجل يريد السفر، متى يقصر؟ قال: إذا توارى من البيوت. ۲۲

أليس قد بلغوا الموضوع الذي لا يسمعون فيه أذان مصرهم الذي خرجوا منه؟ ۲۳

در این روایات که در باره حدّ ترخص وارد شده‌اند مسلماً شنیدن اذان، بدون ابزار و متناسب با وضع زمان صدور مراد است و هرگز شنیدن از بلندگو، تلفن، بی سیم و رادیو را شامل نمی‌شود. در توارى(استتار) نیز به توارى متعارف در زمان صدور اشاره دارد و نه به استفاده از دوربین و تلسکوپ و مانند اینها. ۲۴

- سألته عن الدود يقع من الكنيف على الثوب، أيصلى فيه؟ قال: لا بأس، إلا أن تری أثرأ فتغسله. ۲۵

- السيف بمنزلة الرداء تصلى فيه مالم ترفيه دماً. ۲۶

- كلّ شيء من الطير يتوضأ ممّا يشرب منه إلا أن تری في منقاره دماً، فإن رأيت في منقاره دماً فلا تتوضأ منه ولا تشرب. ۲۷

- سألته عن الفأرة و الدجاجة و الحمام و أشباهها تطأ العذرة ثمّ تطأ الثوب، أیغسل؟ قال: إن كان استبان من أثره شيء فاغسله و إلا فلا بأس. ۲۸

در این چهار روایت نیز مسلماً منظور از «تری»، «رأیت» و «استبان» دیدن اثر نجاست با چشم غیر مسلح و متعارف در زمان صدور حدیث است، نه روعیت با میکروسکوپ. و هیچ فقیهی این گونه فتوا نمی‌دهد که در چنین مواردی، اگر اثر نجاست در لباس با چشم متعارف دیده نشود ولی با میکروسکوپ قابل دیدن باشد، آن لباس باید تطهیر شود.

به عبارت دیگر روعیت و سمع در روایات دسته دوم - بر خلاف روایات دسته اول - مطلق نیست و شامل همه افراد آن نمی‌شود. اکنون باید این موضوع را تحلیل و تبیین کرد که چرا روایات دسته اول - بر خلاف روایات دسته دوم - مطلق است. روشن است که تنها، ادّعی انصراف در دسته دوم از روایات و عدم آن در دسته اول، یا ادّعی تناسب حکم و موضوع در دسته دوم، راه حل مناسبی نیست. از این رو به تبیین و تحلیل منطقی این روایات می‌پردازیم و سپس روایات روعیت هلال را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا مشخص شود که آیا از دسته اولند یا از دسته دوم؟

با دقت در مفاد این دو دسته از روایات معلوم می‌شود که دسته دوم در مقام تحدید و مشخص کردن اندازه یا مقدار و مسافت و مرتبه خاصی از چیزی است و خود حس یعنی سمع و روعیت، موضوعیتی ندارد، بلکه از آن

به عنوان مقیاس و ابزار سنجش استفاده شده است. مثلاً از شنیدن صدای اذان و دیدن دیوارهای شهر در حدّ ترخص، به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است. در حقیقت، دیدن یا شنیدن در این مورد، فقط علامتی برای سنجش یک فاصله طولی مشخص است (مثلاً یک فرسخ).<sup>۲۹</sup> همچنین در روایات دیدن اثر نجاست: «تری اثرأ فتغسله»، «تری دمأ» و «استبان من أثره شیء» مراد، مطلق روئیت یا مطلق استبانه نجس نیست؛ بلکه مراد، اندازه، وضع و مقدار خاصی از انتقال اثر نجاست است که اگر چشم متعارف و عادی قابل روئیت باشد تطهیر لباس واجب و در غیر این صورت واجب نیست و روئیت، موضوعیتی ندارد بلکه ابزاری برای سنجش خاصی است.

به عبارت دیگر، در دسته دوم از روایات، روئیت، سمع و مانند آنها در مقام تحدید و طریق برای اثبات چیز دیگری مانند مسافت یا کیفیتی خاص است و به تعبیر فنی، طریقت دارد نه موضوعیت. از این رو هیچ ابزار و وسیله دیگری مانند دوربین، تلسکوپ، بلندگو و میکروسکوپ جایگزین آن نمی‌شود چون لازمه و خاصیت تحدید، مشخص و معین بودن آن است و اگر بنا باشد در تشخیص حدّ ترخص مثلاً هم روئیت عادی و هم روئیت با چشم مسلح معتبر باشد معنایش مشخص نبودن مسافت و مقدار حدّ ترخص است که منافی با غرض شارع بوده و معنی ندارد شارع چیزی را معیار تشخیص حدّ ترخص قرار دهد که طبق یک فرد از آن معیار (روئیت عادی) حدّ ترخص مثلاً یک فرسخ و طبق یک فرد دیگر از آن معیار (روئیت با چشم مسلح) حدّ ترخص سه فرسخ باشد.

در موارد مذکور، از روئیت و سمع به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری استفاده شده است و درست به همین دلیل، هیچ چیز جایگزین آن نمی‌شود، نه تنها چشم مسلح و شنیدن با ابزار، بلکه حتی سمع و نظر خارق العاده خلاف متعارف - هر چند بدون ابزار - نیز جانشین سمع و نظر متعارف نمی‌شود، همچنان که صاحب عروه الوثقی فرموده و هیچ یک از علمایی که بر این کتاب حاشیه نوشته‌اند در خصوص این مطلب چیزی نگفته‌اند. المدار فی عین الرائی و أذن السامع علی المتوسط فی الروئیة و السماع... فغیر المتوسط یرجع إلیه، كما أن الصوت الخارق فی العلو یرد إلی المعتاد المتوسط.<sup>۳۰</sup>

علاوه بر سمع و روئیت هرگاه عضو دیگری نیز وسیله‌ای برای سنجش باشد، هرگز مطلق آن مراد نیست و الا نقض غرض و بر خلاف در مقام تحدید بودن است. مثلاً در بیان حدّ کر، چند «شبر» (وَجَب) معمولی و متعارف مراد است و هیچ فقیهی نفرموده که «شبر» در روایت، مطلق است و شامل همه انواع آن می‌شود چه شبر فرد خردسال، چه بزرگسال، چه بسیار کوچک و چه به‌طور خارق العاده بزرگ! و همین‌طور موارد مشابه دیگر مانند حدّ شستن صورت در وضو.

با توجه به این نکته، سمع و روئیت و مانند آن در دسته دوم از روایات طریقت دارند؛ یعنی طریق و وسیله برای سنجش مقدار خاصی هستند. از این رو همان سمع و روئیت متعارف در زمان صدور روایت مورد نظر است و لاغیر.

بر خلاف روایات دسته اول که روئیت، سمع، نظر و استماع در آنها در مقام تحدید چیز دیگری نیست و طریقت ندارد بلکه موضوعیت دارد و مطلق است. مثلاً: نظر به نامحرم، چه با دوربین و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و از سوی دیگر شنیدن فضائل امیر المومنین (ع) چه از ابزارهایی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، بی سیم و بلندگو و چه بدون اینها، همه استماع است و مطابق روایت مذکور، فضیلت دارد. همچنین در موارد دیگری مانند «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین» و «شنیدن غنا و لهو» فرقی بین شنیدن از ابزارهایی مثل

رادیو و شنیدن بدون ابزار نیست، چون در همه این موارد؛ خود شنیدن و دیدن موضوعیت دارد و برای چیز دیگری طریق نیست، لذا چیز دیگری غیر از شنیدن و دیدن، جانشین آن نمی‌شود، بخلاف روایات دسته دوم که طریقت دارند و چون طریقت دارند از هر راهی که مقدار مورد نظر آن روایات احراز شود حکم مترتب می‌شود هر چند که سمع و نظری هم در کار نباشد.

#### روءیت هلال

اکنون به روءیت هلال می‌پردازیم، و آن را از این جهت بررسی می‌کنیم:

1. گرچه موضوع احکام شرعی مانند روزه ماه مبارک «شهر رمضان» است ولی مسلماً شروع و آغاز ماه قمری با صرف خروج ماه از تحت الشعاع و مُحاق، محقق نمی‌شود بلکه ملاک آغاز ماههای قمری «روءیت هلال» می‌باشد. دلیل این مدعا مشروحاً در جلد دوم و چهارم کتاب «روءیت هلال» آمده است. ۳۱

2. حقیقت آن است که روءیت هلال طریقت دارد نه موضوعیت، چنان که بسیاری از فقیهان نیز بر این باورند. ۳۲ یعنی از آنجا که در شرع مقدس نشانه‌ها و علائم دیگری جایگزین روءیت هلال می‌شوند - هر چند بالفعل، روءیت محقق نشده باشد - می‌فهمیم که روءیت، موضوعیت ندارد. مثلاً با گذشت سی روز از ماه قبل، به حلول ماه جدید حکم می‌کنیم ولو روءیت بالفعل محقق نشود، یا کسی استهلال نکند یا بر اثر وجود مانعی، ماه روءیت نشود. همچنین اگر هلال در شرق، روءیت شود اول ماه برای نقطه غربی هم عرض آن نیز ثابت می‌شود هر چند که هلال در نقطه غربی، روءیت نشود. دلائل متعدّد طریقت به این معنی در جلد دوم و چهارم کتاب «روءیت هلال» مشروحاً بیان شده و ما در اینجا به آنها نمی‌پردازیم.

3. روءیت تقدیری یا امکان روءیت نیز مثبت حلول ماه جدید است. بدین معنی هرگاه ماه در وضعی باشد که اگر مانعی در آسمان نباشد و مردم استهلال کنند، دیده می‌شود؛ همین اندازه برای اثبات اول ماه کافی است. بنابراین اگر بر اساس محاسبه قطعی به اتفاق کارشناسان و اهل خبره، ماه در موقعیتی باشد که «لولا المانع لرئی» هر چند دیده نشود، اول ماه ثابت می‌شود. به عبارت دیگر چنان که گذشت، تنها خروج ماه از محاق، مثبت حلول ماه جدید نیست، بلکه باید به درجه و حدی برسد که «قابل روءیت» باشد و این قابلیت روءیت، یا امکان روءیت یا روءیت تقدیری و یا روءیت‌پذیر بودن ماه، ملاک حلول ماه جدید است.

بنابراین، از هر طریق و وسیله‌ای که یقین یا اطمینان حاصل شد که ماه، قابل روءیت است مانند سخن منجمان و هیویان، اول ماه ثابت می‌شود؛ هر چند ماه بر اثر موانعی روءیت نشود یا کسی استهلال نکرده باشد. ادله این سخن را در گفتار دیگری با عنوان «اعتبار قول هیویان در روءیت هلال» آورده‌ام و اقوال دیگر را نیز در این موضوع در جلد دوم و چهارم کتاب «روءیت هلال» نقل کرده‌ام.

4. در بسیاری از ماههای قمری، وضع ماه بدین منوال است که هلال شب سی‌ام با چشم غیر مسلح قابل روءیت نیست ولی با ابزار، دیده می‌شود؛ یعنی ماه، پس از خروج از محاق، هنوز به درجه‌ای نرسیده و آنقدر نور کسب نکرده که بتوان آن را بدون ابزار دید، ولی با چشم مسلح ممکن است. لازمه این امر آن است که اگر روءیت هلال با چشم مسلح معتبر باشد، حلول ماه، یک روز زودتر ثابت شود و اگر روءیت بدون ابزار ملاک باشد، آغاز ماه یک روز دیرتر ثابت خواهد شد.

5. موضوع بحث ما در این گفتار، صورتی است که هلال با چشم غیر مسلح به هیچ وجه قابل روءیت نباشد، هر چند هیچ مانعی مانند ابر و بخار وجود نداشته باشد. بنابراین، اگر هلال به حدی برسد که اگر مانعی نباشد، با چشم عادی روءیت شود، ولی بر اثر مانع، فقط با تلسکوپ قابل روءیت باشد، در اینجا مسلماً، روءیت با تلسکوپ

معتبر است. در این فرض حتی اگر با تلسکوپ هم - بر اثر مانع - قابل رویت نباشد ولی محاسبات علمی نشان دهد که ماه با چشم غیر مسلح رویت پذیر و قابل رویت است، کافی و معتبر می‌باشد و حلول ماه نو با آن ثابت می‌شود و شاید برخی از کسانی که رویت با تلسکوپ را معتبر می‌دانند مقصودشان همین صورت است.

6. توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که اول ماه قمری وقتی است که ماه، پس از خروج از محاق، در مدار به درجه‌ای برسد که با چشم غیر مسلح قابل رویت باشد. این درجه و به عبارت دیگر «قابلیة الرویة یا امکان الرویة با چشم غیر مسلح» موضوع حکم است و شارع مقدس رسیدن ماه به این درجه را نشانه آغاز ماه قمری دانسته است. به این نکته، علمای بسیاری از جمله مرحوم آیه الله خویی (ره) تصریح کرده‌اند. ۳۳

7. بنابر آنچه گفته شد مسلماً، شارع مقدس که حلول ماه را منوط به رویت فرموده در مقام تحدید است. یعنی از رویت به عنوان ابزاری برای رسیدن ماه به حدّ خاصی استفاده کرده است - و گرنه رویت موضوعیتی ندارد - درست مانند رویت دیوارهای شهر در حدّ ترخص، که به هیچ وجه، موضوعیت ندارد و برای سنجش مقدار خاصی از مسافت از آن استفاده شده است.

8. با این مقدمات روشن شد که روایات رویت هلال، از روایات دسته دوم ذکر شده در اول این مقاله محسوب می‌شوند و همان طور که در آن موارد، از جمله: تشخیص حد ترخص، استفاده از ابزاری مثل دوربین و تلسکوپ به هیچ وجه معتبر نیست، در رویت هلال نیز چنین است، چون از این جهت - یعنی به لحاظ در مقام تحدید بودن - هیچ فرقی بین آنها نیست.

چنان که گذشت، از بررسی مجموع موارد مذکور، این مناط کلی به دست می‌آید که اگر استفاده از یک حس - مانند رویت و سمع - جنبه ابزاری داشته باشد، تحولات فناوری و توسعه در آن، به عنوان ابزار و طریق شرعی پذیرفته نیست، و استفاده از این ابزار با در مقام تحدید بودن سازگاری ندارد و چون رویت هلال نیز راهی برای علم به رویت پذیری هلال است و خود رویت، موضوعیت ندارد، بنابراین دیدن با چشم مسلح، معتبر نیست، و نمی‌تواند دلیل شروع ماه قمری باشد.

9. دلیل عمده عدم اعتبار رویت هلال با چشم مسلح، همین است که گذشت. برای توضیح بیشتر و تقریب به ذهن مثلاً می‌گوییم: برای ثبوت اول ماه، رویت هلال، و برای تشخیص حد ترخص، دیدن دیوارهای شهر معیار است و حقیقت در هر دو مورد، یکی از این چهار فرض است:

1. فقط رویت با چشم غیر مسلح، موضوع حکم و معتبر است (و هو المطلوب و المختار).
  2. هم رویت با چشم غیر مسلح موضوع حکم و معتبر است و هم رویت با چشم مسلح.
  3. فقط رویت با چشم مسلح موضوع حکم و معتبر است.
  4. تا قبل از اختراع و ساختن دوربین و تلسکوپ، فقط رویت با چشم غیر مسلح موضوع حکم و معتبر بود و پس از آن، تنها رویت با چشم مسلح موضوع حکم و معتبر است.
- روشن است که فقط صورت اول صحیح می‌باشد و سه فرض دیگر صحیح نیست، زیرا لازمه فرض دوم آن است که حد ترخص هم مثلاً یک فرسخ باشد (در رویت با چشم عادی) و هم سه فرسخ مثلاً (در رویت با چشم مسلح) و نیز در بسیاری از ماهها هم مثلاً روز شنبه اول ماه باشد (چون روز جمعه فقط با تلسکوپ قابل رویت است) و هم روز یک شنبه، چون (کما هو المفروض) فقط روز شنبه با چشم غیر مسلح قابل رویت است. و به عبارت دیگر، لازمه‌اش آن است که در طول بیش از هزار سال که از ابزار برای رویت استفاده نمی‌شد - در تمام موارد مشابه - مثلاً روز یک شنبه و پس از استفاده از ابزار در عین همان فرض، روز شنبه اول ماه باشد.

بدیهی است که لازمه فرض دوم این است که تحدید مذکور لغو و مستلزم تنافی باشد، چون لازم می‌آید که حدّ ترخص هم یک فرسخ و هم سه فرسخ باشد و هم اوّل ماه وقتی است که مثلاً ۱۵ ساعت از خروج قمر از محاق گذشته باشد (در روعیت با چشم غیر مسلّح) و هم وقتی است که ۸ ساعت از خروج ماه از محاق گذشته باشد (در روعیت با چشم مسلّح).

فرض سوم هم که بدیهی البطلان است؛ زیرا لازمه‌اش آن است که شارع مقدس چیزی را ملاک و معیار قرار داده که تا بیش از هزار سال از دسترس مکلفین خارج بوده است و با جعل چنین معیاری، مردم در بسیاری از ماهها - بر اثر فعل شارع - بر خلاف واقع عمل کرده‌اند.

فرض چهارم همان تالی فاسد فرض دوم را دارد.

بنابراین، با توجه به اینکه شارع مقدس معیاری را برای حلول ماه قرار داده که از همان آغاز در دسترس مردم بوده است - بر خلاف محاسبات حرکات خورشید که فقط اهل فن از آن مطلع بوده‌اند و این نکته از آیه شریفه «یسئلونک عن الأهلّة» و گفتار مفسران در ذیل آن استفاده می‌شود. - ۳۴ باید یقین کرد همان روعیتی که در زمان شارع مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده معتبر و موضوع حکم است، آن هم نه به دلیل انصراف روعیت، به روعیت متعارف آن زمان، و نه تبادر آن نوع روعیت به ذهن که برخی از فقیهان به آن تمسک کرده‌اند. ۳۵ زیرا در روایات دسته اوّل هم طبق این مبنی باید به آن قائل شد با اینکه اساساً قابل التزام نیست - بلکه به دلیلی که گذشت یعنی در مقام تحدید بودن روایات روعیت هلال و موضوعیت نداشتن آن، بر خلاف روایات دسته اوّل.

عمده دلیل ما بر عدم اعتبار روعیت با چشم مسلح همین است، ولی می‌توان موعیدات و شواهدی نیز بر آن افزود؛ که هر چند دلیل مستقلی محسوب نمی‌شوند، اما برای تثبیت مدّعا یا ایجاد شک در اعتبار چشم مسلح موعثرند:

1. لازمه معتبر بودن روعیت با چشم مسلح، آن است که شارع مقدس بیش از هزار سال مردم را به اشتباه انداخته باشد که البته پذیرفتنی نیست. یعنی شارع مقدس در بسیاری از ماههای سال حدّی را ملاک شروع ماه قرار داده (قابلیت روعیت ماه با چشم مسلّح، و مثلاً ۸ ساعت پس از خروج از محاق) که این حد تا هزار سال پیش از این، قابل دسترسی نبوده است و مردم یک روز پس از آن را (قابلیت روعیت ماه با چشم غیر مسلح، و مثلاً ۱۵ ساعت پس از خروج از محاق) اوّل ماه می‌دانسته‌اند و عید فطر، شب قدر، عرفه و عید قربان را - بر خلاف واقع - یک روز دیرتر می‌دانسته‌اند، آن هم نه بر اثر تقصیر مکلفین، بلکه بر اثر فعل و جعل شارع. و اگر روعیت با تلسکوپ‌های قوی مانند هابل معیار باشد این وسایل هنوز هم در اختیار مسلمانان نیست.

2. شارع مقدس، روعیت هلال را موضوع حکم قرار داده است و اطلاق هلال بر هلال واقعی غیر قابل روعیت با چشم غیر مسلح - یعنی غیر قابل روعیت در عصر شارع - استعمال لفظ در غیر معنای آن است. زیرا هلال، مشتق از «هلّ» به معنی «بدا و ظهر» یا «صرخ» می‌باشد و چون مردم هنگام روعیت آن، صدای خود را به فریاد و تکبیر و تهلیل، بلند می‌کردند به آن هلال گفته‌اند و «استهلّ الصبی» از همین باب است. یعنی کودک هنگام ولادت گریه و سرو صدا کرد. ۳۶

3. مشکل بزرگ‌تر قول به اعتبار روعیت هلال با چشم مسلح این است که قدرت دوربین‌ها و تلسکوپ‌ها یکسان نیست. آیا مثلاً تلسکوپ‌های موجود در ایران معیار است یا مطلق تلسکوپ مراد است هر چند که بسیار پر قدرت و پیشرفته باشد مانند هابل در آمریکا؟ به عقیده کارشناسان، شاید هلال ماه با تلسکوپ‌های معمولی

موجود در ایران قابل روئیت نباشد، اما با تلسکوپ هابل، بتوان ماه را دید و چه بسا در آینده تلسکوپ قوی‌تری نیز ساخته شود.

در این صورت، گاهی اوقات و در بعضی از افق‌ها اگر روئیت با هابل را معتبر بدانیم ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر فقط روئیت با تلسکوپ‌های معمولی معتبر باشد ۳۷ مسئله، صورت دیگری خواهد داشت. این ضابطه‌مند نبودن و تفاوت معیار - که قطعاً مخالف در مقام تحدید بودن شارع است - یکی از شواهد ضعف این قول است.

1. بر فرض که این ادله مدّعی ما را به طور قطع ثابت نکند، لاقلاً در اعتبار روئیت با چشم مسلح تشکیک ایجاد می‌کند، و حداقل شک می‌کنیم که آیا روئیت با چشم مسلح معتبر است یا معتبر نیست؟ و از طرفی هم در روایات وارد شده که یوم الشک (آخر ماه مبارک) را روزه بگیرید و ماه را کامل (سی روز) کنید. ۳۸.  
2. در صورتی که از ادله چیزی استفاده نشود، و اعتبار روئیت با چشم مسلح مشکوک باشد، استصحاب موضوعی بقای ماه، و استصحاب حکمی و جوب صوم (در ماه رمضان) جاری است. ۳۹.  
چند نکته

1. عدم اعتبار روئیت هلال با چشم مسلح به معنای استفاده نکردن از ابزار و فناوری جدید و پیشرفت‌های علمی و بی تأثیر بودن آنها در روئیت هلال نیست، بلکه این ابزارها کارایی‌های بسیاری در این مسأله دارند که چون در مقاله «اعتبار قول هیوی در روئیت هلال» و در جلد دوم و چهارم کتاب «روئیت هلال» موارد کارایی آنها را بیان کرده‌ام از این رو از بیان دوباره در اینجا چشم می‌پوشم.  
2. اختلاف در مسأله روئیت هلال با چشم مسلح به مسلک مشهور فقها - یعنی لزوم اشتراک و اتحاد آفاق - اختصاص ندارد، بلکه بر مبنای مرحوم آیه الله خویی رحمه الله و عده‌ای دیگر نیز مبتنی بر عدم لزوم اتحاد آفاق، ساری و جاری است.

3. بحث روئیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و سابقه چندانی در فقه ندارد. از این رو پاره‌ای از استدلالها در این بحث چندان قوی و کامل نیست. مثلاً برخی از طرفداران اعتبار روئیت هلال با چشم مسلح به همین دلیل اکتفا می‌کنند که «روئیت در روایات، مطلق است و شامل روئیت با چشم مسلح هم می‌شود!» و اگر اشکال شود که روئیت و سمع در روایات تعیین حدّ ترخص هم مطلق است، چرا در آنجا چشم مسلح را معتبر نمی‌دانید، نمی‌توانند پاسخی بدهند؟

همچنین مخالفان اعتبار روئیت با چشم مسلح هم به این دلیل اکتفا کرده‌اند که «روئیت به روئیت متعارف در زمان شارع مقدس انصراف دارد» ۴۰ ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند. از همین رو می‌توان اشکال کرد که چرا در روایات دسته اول مانند نظر به نامحرم، قائل به انصراف نمی‌شوید؟

4. قول مشهور در میان فقهای عصر ما، عدم اعتبار روئیت با چشم مسلح است که حضرات آیات: امام خمینی، خویی، شهید سید محمد باقر صدر و شهید سید محمد صدر ۴۱ از جمله این فقیهان هستند.  
آیه الله خویی (ره) می‌گوید:

لا عبرة بالروئية بالعین المسلحة... نعم، لا بأس بتعیین المحلّ بها ثمّ النظر بالعین المجردة، فإذا كان قابلاً للروئية ولو بالاستعانة من تلك الالات في تحقیق المقدمات كفی و ثبت به الهلال، كما هو واضح. ۴۲.  
امام خمینی (ره) نیز می‌نویسد:

لا اعتبار بروئية الهلال بالالات المستحدثة، فلو رئی ببعض الالات المكبرة نحو التلسكوب مثلاً و لم یکن قابلاً

للروعيه بلا آله لم يحكم بأول الشهر، فالميزان هو الروعيه بالبصر من دون آله مقربه أو مكبره نعم لو رئى بآله و علم محلّه ثم رئى بالبصر بلا آله يحكم بأول الشهر. ٤٣

5. ممکن است مراد برخی از کسانی که روئیت با چشم مسلح را معتبر می‌دانند در صورتی باشد که ماه در مدار خود به درجه‌ای رسیده که با چشم غیر مسلح قابل روئیت است؛ ولی بر اثر موانعی مثل بخار و ابر فقط با تلسکوپ دیده می‌شود نه با چشم عادی. بنابر این افراد با کسانی که روئیت با ابزار را معتبر نمی‌دانند اختلافی نخواهند داشت؛ زیرا در این صورت حتی اگر ماه با تلسکوپ هم روئیت نشود، ولی محاسبات قطعی فلکی، روئیت‌پذیر بودن آن را اثبات کند کافی است.

در پایان ذکر این نکته را لازم می‌دانم که در تدوین این نوشتار از افاضات فقیه مدقق حضرت آیه الله شبیری زنجانی و نیز از مقاله دوست فاضل جناب مستطاب آقای محمد سمیعی با عنوان «بررسی حکم شرعی روئیت هلال با چشم مسلح» بهره برده‌ام.

1. بحار الانوار، ج ٦٦، ص ٤٩٢، ح ٣٤.
2. همان، ج ٧٦، ص ٣٦١، ح ٣٠.
3. همان، ج ١٠٤، ص ٣٣، ح ٢.
4. همان، ج ٦، ص ١٠٣، ح ٢.
5. همان، ج ١٦، ص ٢٩٥، ح ٤٦.
6. همان، ج ١٠٤، ص ٣٨، ح ٣٤ و ص ٤٠، ح ٤٦.
7. همان، ج ٨٠، ص ١٨٢، ح ٣١.
8. وسائل الشیعه، ج ٣، ص ٣٣٢، ح ٣٧٩٨.
9. بحار الانوار، ج ١٠، ص ١١٥، ح ١ و ج ١٠٣، ص ٢٨٧، ح ١٩.
10. همان، ج ٤١، ص ٤٩، ح ١ و ج ١٠٤، ص ٣٩، ح ٤٣.
11. همان، ج ٣٨، ص ١٩٦، ح ٤.
12. وسائل الشیعه، ج ١٥، ص ١٤١، ح ٢٠١٦٩.
13. میراث فقهی، ج ١، غنا، موسیقی، ص ٢٢٠٥، ح ٥٦ و ص ٢٢٠٨، ح ٦١.
14. همان، ص ٢٢٨، ح ١٠٢.
15. همان، ص ٢٢٣٠، ح ١٠٧ و ١١٤.
16. همان، ص ٢٢٣٢، ح ١١٠ و ١١١.
17. همان، ص ٢٢٣٢، ح ٦ و ص ٢٢٣٣، ح ١١٣.
18. همان، ص ٢٢٣٨، ح ١١٩.
19. همان، ص ٢٢٤٠، ح ١٢٧.
20. وسائل الشیعه، ج ٨، ص ٤٧٢، ح ١١١٩٦.
21. همان، ص ٤٧٣، ح ١١٢٠٠.
22. همان، ص ٤٧١، ح ١١١٩٤.
23. همان، ج ٨، ص ٤٦٦ و ٤٦٧، ح ١١١٨٦.
24. العروه الوثقی، ج ٣، ص ٤٦٤ مسأله ٦٤.



25. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۴۳۶۵.
26. همان، ص ۵۲۹، ح ۴۳۷۱.
27. همان، ج ۳، ص ۵۲۷ و ۵۲۸، ح ۴۳۶۸.
28. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۷، ح ۴۱۹۴.
29. مقاله «بررسی حکم شرعی روعیت هلال با چشم مسلح»، عرضه شده به دومین سمینار تخصصی روعیت هلال، مهرماه ۱۳۸۳.
30. العروه الوثقی، ج ۳، ص ۴۶۴، مسأله ۶۴.
31. روعیت هلال، ج ۲ و ۴، ص ۱۱۵۹، ۱۱۸۵، ۱۲۷۱-۱۲۷۴، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ۱۴۳۲، ۱۴۵۳، ۱۴۶۲ و ۱۴۷۸.
32. همان، ج ۲، ص ۱۱۸۸، ۱۲۶۷-۱۲۶۸ و ۱۳۸۳-۱۳۸۴.
33. روعیت هلال، ج ۲، ص ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ۱۴۷۸ و ج ۴، بخش سوم.
34. علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه در تفسیر المیزان می گوید: «إنّ الانسان لا بدّ له من حيث الخلقه من أن یقدّر أعماله و أفعاله... بالزمان، و لازم ذلك أن یتقطع الزمان الممتدّ الذی ینطبق علیه أمورهم قطعاً صغاراً و كباراً... و التقطیع الظاهر - الذی یرتفع منه العالم و الجاهل و البدوی و الحضری و یسهل حفظه علی الجميع - إنّما هو تقطیع الاّیام بالشهور القمریة التي یدرکه کل صحیح الادراک مستقیم الحواسّ من الناس، دون الشهور الشمسیة التي ماتنبّه لشأنها و لم ینل دقیق حسابها الإنسان إلّا بعد قرون و أحقاب من بدء حیاته فی الارض، و هو مع ذلك لیس فی وسع جمیع الناس دائماً...» و نیز مرحوم آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری در تفسیر مواهب الرحمن می نویسد: «... لتقدير الزمان طرق مختلفة، ربما یصعب بعضها علی عامّة الناس و لا یمكن معرفته إلّا بعد بلوغ الإنسان منزلة من العلم، و لذلك كان الطریق الأسهل لجمیع الناس - الذی یرتفع منه العالم و الجاهل و الحضری و البدوی - إنّما هو التوقیت بالأهله، و یكون الحساب بالشهور القمریة و هو قديم جداً...».
- مشروح سخن این دو بزرگوار و سایر مفسران را در جلد اول کتاب روعیت هلال نقل کرده ایم. بسیاری از علمای اهل سنت نیز به این نکته اشاره کرده اند.
35. روعیت هلال، ج ۲، ص ۱۱۸۹ و ۱۲۶۸.
36. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۱ «هلّ» و فقه اهل البیت (ع)، مقاله «روعیة الهلال و معطیات العلم الحدیث»، شماره ۳۱، ح ۸۱.
37. مقاله «بررسی حکم شرعی روعیت هلال با چشم مسلح».
38. روعیت هلال، ج ۲، ص ۱۰۳۶-۱۰۶۶ و ۱۳۷۵-۱۳۷۷.
39. همان، ج ۲، ص ۱۰۶۴-۱۰۶۶ و ۱۴۴۰-۱۴۴۱.
40. همان، ج ۲، ص ۱۱۸۸-۱۱۹۲، ۱۲۶۸-۱۲۶۹ و ۱۴۷۸-۱۴۷۹.
41. روعیت هلال، ج ۴، بخش سوم.
42. همان، ج ۲، ص ۱۴۷۸.
43. همان، ج ۴، بخش سوم و تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰۷ و ۶۰۸، مسأله ۱۸.